



Challenges and Solutions in Arabic Language Education in Iran and Malaysia: A
Comparative Analysis Based on the American Approach

1-Abdullah Hosseini

¹ Corresponding author: Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran. E-mail: dr.hosseiny@cfu.ac.ir

ABSTRACT

Received: 2025/05/10
Reviewed: 2025/07/12
Accepted: 2025/09/25
PP: 52-67

Keywords:

Arabic language education
Practical learning
Challenges
solutions
Iran
Malaysia



Background and Purpose: This study examines the key issues and strategies in teaching and learning Arabic in Iran and Malaysia, offering a comparative perspective on both systems. It explores how linguistic factors, learner motivation, and the educational environment shape Arabic language proficiency, aiming to identify strengths, weaknesses, and practical pathways for improvement. **Methods:** Adopting a review-based analytical approach, this study synthesizes research published between 2020 and 2025 on Arabic language education in Iran and Malaysia. Sources were selected based on their relevance to three main dimensions: linguistic and structural characteristics, motivational and human competencies, and environmental and resource-related factors. The data were qualitatively analyzed and compared across both national contexts to highlight shared trends and distinctive practices. **Findings:** The analysis revealed that in Malaysia, Arabic learning often entails cognitive strain due to linguistic and cultural complexities, while in Iran, traditional grammar-based instruction limits learners' communicative abilities. Both systems face shortages in practical opportunities and learning materials; however, integrating extracurricular activities and multimedia tools can effectively enhance applied learning experiences. **Conclusion:** Achieving success in Arabic language education depends on an integrated focus on language structures, learner motivation, teacher preparation, and supportive learning environments. Iran may benefit from Malaysia's emphasis on practice-based and multimedia learning, while Malaysia can leverage Iran's academic expertise in linguistic studies. Collaboration and mutual learning between the two systems could significantly advance Arabic language education in both contexts.

ISSN (Online):

doi: 10.48310/mtt.2025.20927.1062

Cite this Article : Hosseini, A. (2025). Challenges and solutions for learning and teaching Arabic: A comparative analysis of the experiences of Iran and Malaysia. Comparative Studies in Teacher Education (International Journal of Research 1(4).- . doi: 10.48310/mtt.2025.20927.1062.

© the authors Publisher:
Farhangian University



چالش‌ها و راهکارهای آموزش زبان عربی در ایران و مالزی: تحلیل تطبیقی مبتنی بر مکتب آمریکایی

۱. عبدالله حسینی

نویسنده مسئول، استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات عرب، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

رایانامه: dr.hosseini@cfu.ac.ir

چکیده

پیشینه و اهداف: هدف این مطالعه تحلیل چالش‌ها و راهکارهای یادگیری و تدریس زبان عربی در ایران و مالزی و بررسی مقایسه‌ای تجربه‌های هر دو کشور است. این پژوهش به دنبال شناسایی عوامل مؤثر بر مهارت‌های زبانی، انگیزه یادگیری و نقش محیط و منابع آموزشی است و قصد دارد نقاط قوت و ضعف هر سیستم را روشن کرده و راهکارهای عملی را برای بهبود آموزش ارائه دهد. **روش‌ها:** این مطالعه از نوع مروری - تحلیلی است و جامعه مورد مطالعه شامل تمامی مقالات علمی منتشر شده در حوزه آموزش زبان عربی در ایران و مالزی در سال‌های اخیر (۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵) است. معیار انتخاب منابع، مرتبط بودن مقاله با محورهای پژوهش شامل ویژگی‌های ساختاری و زبانی، انگیزه و توانمندی انسانی، و شرایط محیطی و منابع آموزشی بوده است. یافته‌ها به صورت کیفی تحلیل و در سه محور اصلی دسته‌بندی شده‌اند و سپس با استفاده از روش تطبیقی، شباهت‌ها و تفاوت‌های سیستم‌های آموزشی دو کشور بررسی شده است. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که یادگیری عربی در مالزی به دلیل پیچیدگی‌های زبانی و فرهنگی با فشار شناختی همراه است و در ایران تمرکز بر قواعد و روش‌های سنتی مانع تسلط کاربردی می‌شود. هر دو کشور با محدودیت منابع و فرصت‌های عملی مواجه‌اند اما فعالیت‌های جانبی و منابع چندرسانه‌ای می‌توانند یادگیری کاربردی را بهبود بخشند. **نتیجه‌گیری:** موفقیت در یادگیری زبان عربی نیازمند توجه هم‌زمان به ساختارهای زبانی، تقویت انگیزه و توانمندی معلمان و فراهم‌سازی محیط و منابع مناسب است. ایران می‌تواند از تجربه مالزی در ایجاد محیط‌های عملی و بهره‌گیری از منابع چندرسانه‌ای استفاده کند و مالزی نیز از پشتوانه علمی ایران بهره‌مند شود. این تبادل تجربه مسیر ارتقای آموزش عربی را در هر دو کشور هموار می‌سازد.

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

شماره صفحات: ۵۲-۶۷

واژه‌های کلیدی:

آموزش زبان عربی

یادگیری کاربردی

چالش‌ها

راهکارها

ایران

مالزی

استناد به این مقاله: حسینی، عبدالله. (۱۴۰۴). چالش‌ها و راهکارهای یادگیری و تدریس زبان عربی: تحلیل تطبیقی تجربه‌های ایران و مالزی. *مطالعات تطبیقی تربیت معلم (کاوش نامه بین المللی)* ۱(۴). doi: 10.48310/mtt.2025.20927.1062.

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه فرهنگیان



مقدمه

زبان عربی به عنوان یکی از زبان‌های کلاسیک و زنده جهان، جایگاه ویژه‌ای در حوزه‌های دینی، فرهنگی، علمی و سیاسی دارد. این زبان هم زبان قرآن و متون دینی است، هم به دلیل گستره جغرافیایی کشورهای عرب‌زبان و تأثیر فرهنگی و اقتصادی آن‌ها، نقش مهمی در ارتباطات بین‌المللی و دیپلماسی به عهده دارد. از این رو، یادگیری زبان عربی، علاوه بر اهمیت مذهبی و فرهنگی، امکان دسترسی به منابع علمی غنی و ارتقای تعاملات علمی و فرهنگی میان کشورها را نیز مهیا می‌کند. در کشورهای اسلامی، آموختن عربی به عنوان ابزار ارتباطی با متون دینی و علمی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند نقش مؤثری در توسعه دانش و پژوهش‌های بین‌المللی ایفا کند.

در ایران، آموزش زبان عربی سابقه طولانی دارد و به دلیل جایگاه دینی این زبان، همواره مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است. با این حال، تجربه نشان می‌دهد که بسیاری از زبان‌آموزان، با وجود یادگیری قواعد دستوری، تسلط کافی بر مهارت‌های چهارگانه زبان (شنیداری، گفتاری، خوانداری و نوشتاری) ندارند. تمرکز بیش از حد بر روش‌های سنتی تدریس، محدودیت در منابع آموزشی و زمان ناکافی برای تمرین عملی، سبب شده که یادگیری کاربردی و عملی این زبان به طور کامل محقق نشود. بدیهی است که این مشکلات باعث می‌شوند هم انگیزه دانش‌آموزان و دانشجویان را کاهش دهند، هم زبان‌آموزان نتوانند از فرصت‌های آموزشی به صورت عملی و مؤثر بهره‌مند گردند. نتایج تحقیقات متعدد (Hakimzadeh et al. 2015, Azarshab & Homayouni 2015, Rasoulnejad & Khakpour, 2015)، نشان می‌دهد که آموزش زبان عربی در ایران چه در سطح آموزش و پرورش و چه در سطح آموزش عالی دچار کاستی‌ها و مشکلات متعددی است که باعث می‌شود دانشجویان رشته عربی در دانشگاه دچار بی‌علاقگی و بی‌انگیزگی شوند.

مالزی به دلیل جمعیت قابل توجه مسلمان و به عنوان یک کشور غیر عرب‌زبان نمونه مناسبی برای مقایسه با ایران است. در این کشور، زبان عربی معمولاً در حوزه‌های دینی و ارتباط با کشورهای عرب‌زبان تدریس می‌شود. با این حال، یادگیری عربی برای دانشجویان مالزیایی که زبان مادری آن‌ها مالایی یا انگلیسی است، با چالش‌هایی چون تفاوت‌های ساختاری با زبان مادری، پیچیدگی صرف و نحو، دشواری خط عربی و متون کلاسیک، محدودیت منابع آموزشی و کمبود محیط‌های آموزشی برای تمرین عملی مواجه است. چالش‌هایی که باعث کاهش انگیزه و محدودیت در کسب مهارت‌های کاربردی دانشجویان می‌شود (Wan Daud, 2025). تجربه مالزی نشان می‌دهد که بهره‌گیری از روش‌های تعاملی، منابع چندرسانه‌ای و فعالیت‌های جانبی می‌تواند یادگیری کاربردی عربی را بهبود بخشد. بنابراین، انتخاب مالزی این امکان را فراهم می‌کند تا تفاوت‌ها و شباهت‌های آموزشی میان دو کشور اسلامی غیر عرب‌زبان با پیشینه و زبان مادری متفاوت بررسی شود.

مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که مطالعات گوناگونی به بررسی آموزش زبان عربی در ایران و مالزی پرداخته‌اند و هر یک چالش‌ها و محدودیت‌های خاص خود را شناسایی کرده‌اند. با این حال، تاکنون هیچ پژوهش تطبیقی جامعی که آموزش عربی در ایران و مالزی را در سه محور ویژگی‌های ساختاری و زبانی، انگیزه و توانمندی انسانی، و شرایط محیطی و منابع آموزشی تحلیل کند، انجام نشده است. این خلاء پژوهشی اهمیت مقایسه میان دو کشور را برجسته می‌سازد و نشان می‌دهد که مطالعه حاضر می‌تواند با ارائه تحلیل تطبیقی، شکاف موجود در پژوهش‌های پیشین را پر کند و راهنمایی عملی برای بهبود آموزش زبان عربی ارائه دهد.

بنابر آنچه آمد، پژوهش حاضر بر آن است تا به تحلیل تطبیقی چالش‌ها و راهکارهای یادگیری و تدریس زبان عربی در ایران و مالزی بپردازد. ضرورت این مطالعه از آنجا ناشی می‌شود که با وجود اهمیت زبان عربی در هر دو کشور، مشکلات ساختاری، روش‌های تدریس ناکارآمد و محدودیت‌های منابع آموزشی همچنان مانع یادگیری کاربردی محسوب می‌شوند.

به همین اعتبار است که شناخت دقیق این چالش‌ها و بررسی تفاوت‌های میان دو کشور، می‌تواند راهنمایی عملی برای بهبود کیفیت آموزش عربی ارائه دهد و سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی را در مسیر اصلاح قرار دهد. از این رو، این جستار در صدد پاسخگویی به سؤالات زیر است:

- ۱- مهم‌ترین چالش‌های یادگیری زبان عربی در ایران و مالزی چه هستند؟
- ۲- شباهت‌ها و تفاوت‌های ایران و مالزی در چالش‌ها و راهکارهای یادگیری چیست؟
- ۳- چگونه می‌توان از تجربه‌های ایران و مالزی برای بهبود آموزش زبان عربی در هر دو کشور بهره برد؟

پیشینه پژوهش

تحقیقات پیشین نشان می‌دهند که آموزش زبان عربی در ایران و مالزی با وجود تفاوت‌های فرهنگی، آموزشی و اهداف هر کشور، با مجموعه‌ای از چالش‌ها و موانع مشابه روبه‌رو است.

در مالزی، وان داود و همکاران (۲۰۲۵)، به بررسی دشواری‌های یادگیری زبان عربی در کودکان مدارس ابتدایی و روش‌های تدریس معلمان پرداختند. نتایج این مطالعه شش مانع اصلی یادگیری شامل پیچیدگی خط عربی، سیستم ریشه کلمات، مصوت‌ها، هم‌نویسه‌ها، جنسیت و کمیت، و زمینه فرهنگی را نشان داد و هشت روش تدریس مؤثر از جمله ابزارهای دیداری، محیط‌های یادگیری زمینه‌ای، تکرار مکرر، یادگیری تعاملی، تمرین واژگان، تکنیک‌های روایی، یادگیری گروهی و استفاده از فناوری را معرفی کرد. یافته‌های آن‌ها نشان داد که استفاده از روش‌های متنوع و انعطاف‌پذیر برای مقابله با پیچیدگی‌های یادگیری زبان عربی ضروری است.

نورلایلا و همکاران (۲۰۲۵) در پژوهشی مشکلات یادگیری زبان عربی را با توجه به پیش‌زمینه آموزشی دانش‌آموزان بررسی کردند. نتایج نشان داد که دانش‌آموزان با پیشینه‌های متفاوت، با دشواری‌های گوناگونی به‌ویژه در مهارت گفتاری روبه‌رو هستند. این چالش‌ها تحت تأثیر عواملی چون میزان علاقه دانش‌آموزان، کیفیت محیط آموزشی، روش‌های تدریس، سطح مشارکت در فعالیت‌های کلاسی و شرایط روانی و اقتصادی قرار دارند. همچنین مشخص شد که فعالیت‌های تقویتی موجود مانند تمرین‌های گفتاری، قرائت و کارگاه‌های زبان، تنها بخشی از دانش‌آموزان را پوشش می‌دهند و بنابراین اثر محدودی بر بهبود یادگیری دارند.

الحداد و همکاران (۲۰۲۵)، وضعیت آموزش دستور عربی در مالزی را بررسی کردند و دریافتند که دانش‌آموزان در یادگیری گرامر با دشواری‌هایی ناشی از تفاوت‌های ساختاری بین عربی و مالایی، ضعف محیط زبانی و روش‌های سنتی تدریس روبه‌رو هستند. این پژوهش تأکید کرد که برنامه‌های درسی نیازمند بازنگری و مدرن‌سازی، ساده‌سازی محتوای گرامری و آموزش معلمان برای تدریس به غیر عرب‌زبانها هستند. این مطالعه پیشنهاد می‌کند محتوای گرامری ساده‌سازی شود، گرامر با مهارت‌های زبانی تلفیق گردد، راهنمای تربیتی متناسب با زمینه مالزی توسعه یابد و آموزش معلمان برای تدریس گرامر عربی به غیر عرب‌زبان‌ها تقویت شود.

الدبسی و الدسوکی (۲۰۲۳) در پژوهشی به بررسی مهم‌ترین چالش‌ها و موانع آموزش و یادگیری زبان عربی در مدارس دینی متوسطه مالزی پرداختند و چالش‌های آموزش عربی را در سه حوزه شناسایی کردند: ضعف صلاحیت معلمان و کمبود منابع آموزشی، دشواری‌های زبانی شامل نظام آوایی و قواعد صرف و نحو و عوامل اجتماعی مانند انگیزه پایین و محدودیت بودجه. در نهایت پیشنهاد دادند، استفاده از زبان مادری معلمان و برگزاری اردوهای زبانی می‌تواند درک مفاهیم را بهتر کند و اضطراب دانش‌آموزان را کاهش دهد. همچنین پژوهش بر بازنگری برنامه‌های آموزشی، توانمندسازی

معلمان و بهره‌گیری از روش‌های تعاملی و منابع کاربردی برای ارتقای کیفیت آموزش تأکید دارد و راهکارهایی برای رفع آنها نیز ارائه کردند.

البازلی و همکاران (بدون تاریخ)، در مطالعه‌ای آینده آموزش زبان عربی در مدارس مالزی را بررسی کردند. آن‌ها با گردآوری داده از معلمان، والدین و مدیران، وضعیت مدارس طی ده سال آینده را پیش‌بینی کرده و چالش‌های آموزش عربی را در پرتو فعالیت‌های نوآورانه و برنامه‌های درسی مدرن تحلیل نمودند. نتایج پژوهش نشان داد که مدارس عربی برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان و دستیابی به آموزش مؤثرتر، نیازمند بهره‌گیری از مواد آموزشی نوین و مبتنی بر فناوری‌های رایانه‌ای هستند.

در ایران نیز پژوهش‌هایی مانند آقایی و قاسمی (۱۴۰۲)، نشان دادند که آموزش زبان عربی در مدارس ایران با چالش‌هایی چون تداوم روش‌های سنتی، تأکید بیش از اندازه بر گرامر، کمبود نیروی متخصص، فقدان ابزارهای کمک‌آموزشی، عدم تبیین روشن اهداف آموزشی، نامناسب بودن شیوه‌های ارزشیابی و ناکارآمدی دوره‌های ضمن خدمت برای معلمان روبه‌رو است. در مقابل، آنان تأکید کردند که بهره‌گیری از روش‌های خلاقانه و نوآورانه می‌تواند اعتمادبه‌نفس و حس کنجکاوی دانش‌آموزان را تقویت کند. بر اساس یافته‌های این مطالعه، بازنگری در برنامه درسی، برگزاری دوره‌های تخصصی برای معلمان و تأمین منابع لازم جهت تقویت مهارت‌های مکالمه، از جمله الزامات اساسی به شمار می‌رود.

بیات و همایونی (۱۳۹۹)، در پژوهشی به بررسی چالش‌ها و راهکارهای آموزش زبان عربی در مدارس ایران پرداختند. یافته‌های آنان نشان داد که این حوزه با مشکلاتی همچون کمبود نیروی انسانی متخصص، غلبه روش‌های سنتی تدریس، آموزش نامناسب گرامر، محدود بودن دامنه واژگان و متون درسی، تمرکز بیش از اندازه بر قواعد و گرامر محوری، فقدان ابزارهای کمک‌آموزشی، کمبود زمان اختصاص‌یافته به تدریس، تبیین نادرست اهداف آموزشی، نامناسب بودن شیوه‌های ارزشیابی و ناکارآمدی دوره‌های ضمن خدمت برای معلمان روبه‌رو است. در برابر این چالش‌ها، نویسندگان راهکارهایی از جمله بازنگری در برنامه درسی، استفاده از روش‌های تعاملی و گفت و گو محور، اصلاح فرایند تربیت معلمان و بهره‌گیری از فناوری‌ها و منابع چندرسانه‌ای را پیشنهاد کرده‌اند.

ایمان‌زاده و عبادی (۱۳۹۸)، در پژوهشی نشان دادند که ناکارآمدی آموزش زبان عربی را می‌توان در پنج دسته اصلی ناسایی کرد: موانع مربوط به دانش‌آموزان، موانع مرتبط با معلمان، موانع ناشی از جامعه و فرهنگ، موانع مربوط به نظام آموزشی و برنامه درسی و موانع مرتبط با ارزشیابی آموزشی. نتایج این مطالعه بیانگر آن است که رفع این مشکلات مستلزم بازنگری در اهداف، محتوا و شیوه‌های برنامه درسی زبان عربی و نیز تغییر نگرش جامعه، والدین و دانش‌آموزان نسبت به اهمیت این زبان است.

یعقوبی و عبدی (۱۴۰۱)، در پژوهشی دریافته‌اند که بسیاری از دانش‌آموزان قادر به درک متون یا بیان جملات ساده به زبان عربی نیستند؛ مسئله‌ای که موجب بی‌علاقگی و روی‌گردانی آنان از این درس شده است. نتایج نشان داد که برای رفع این مشکل می‌توان از راهکارهایی همچون تألیف کتاب‌های جذاب‌تر با قواعد دستوری مختصر و کاربردی، تأمین امکانات کمک‌آموزشی و به‌کارگیری روش‌های فعال و انگیزه‌بخش توسط معلمان بهره گرفت تا دانش‌آموزان به درک بهتر متون و کسب مهارت مکالمه نزدیک‌تر شوند.

ناعمی و مفاخری (۱۴۰۰) در پژوهشی نشان دادند که ایران و مالزی از نظر منطق تدریس زبان عربی شرایط مشابهی دارند اما در اهداف آموزشی با یکدیگر تفاوت دارند. در مالزی اهداف بر اساس معیار علمی مشخص تعیین شده است، در حالی که در ایران ابهام در هدف‌گذاری وجود دارد و مشخص نیست آموزش زبان عربی دقیقاً با چه مقصودی دنبال می‌شود.

نادری فر (۱۴۰۳)، در مطالعه‌ای نتیجه گرفت که آموزش زبان عربی در ایران عمدتاً با رویکرد سنتی و تأکید بر مهارت‌های خواندن، ترجمه و اهداف مذهبی قرآنی پیش می‌رود، در حالی که در بسیاری از کشورهای عرب‌زبان، آموزش زبان با رویکرد ارتباطی، استفاده از فناوری آموزشی و تمرکز بر مهارت‌های گفتاری و شنیداری همراه است. همچنین، نتایج این مطالعه بیانگر آن است که تلفیق روش‌های نوین مبتنی بر تعامل زبانی و بهره‌گیری از محتوای واقعی می‌تواند موجب بهبود یادگیری زبان عربی در ایران شود. این مطالعه با ارائه پیشنهادهایی برای بازنگری در شیوه‌های تدریس، بر ضرورت توجه به نیازهای ارتباطی و فرهنگی زبان‌آموزان تأکید می‌کند و زمینه‌ای برای هم‌افزایی تجربه‌های موفق کشورهای عرب‌زبان در نظام آموزشی ایران فراهم می‌آورد.

با وجود شباهت‌هایی در مشکلات شناسایی‌شده، مطالعات ایران و مالزی عمدتاً به‌طور مجزا و توصیفی انجام شده‌اند و هیچ پژوهشی به شکل جامع و تحلیلی دو کشور را کنار هم قرار نداده و تفاوت‌ها و شباهت‌ها را در قالب یک تحلیل تطبیقی بررسی نکرده است. حتی مطالعه ناعمی و مفاخری تنها به تفاوت اهداف آموزشی اشاره کرده و به جزئیات اجرایی، تجربه معلمان و منابع آموزشی نپرداخته است. مقایسه نادری فر نیز از نظر ماهوی چندان موجه نیست، زیرا چالش‌های یادگیری عربی در ایران ریشه در شرایط غیرعربی و ساختار نهادی خاص این کشور دارد و با تجربه کشورهای عرب‌زبان که عربی زبان مادری آن‌ها است، تفاوت‌های بنیادین دارد. بنابراین، خلأ پژوهش حاضر مشخص است. از این‌رو، پژوهش حاضر با انجام یک تحلیل تطبیقی جامع بین ایران و مالزی، وضعیت آموزش زبان عربی را بر اساس سه محور کلیدی ساختاری و زبانی، انگیزشی و محیطی و منابع آموزشی بررسی می‌کند. بدین ترتیب خلأ مطالعات پیشین را پر می‌کند و دیدگاه جامع‌تری درباره وضعیت آموزش زبان عربی در دو کشور را ارائه می‌دهد.

جدول ۱. توزیع مقالات بر اساس محورهای پژوهش در آموزش زبان عربی در ایران و مالزی

نویسنده	ویژگی‌های ساختاری و زبانی	انگیزه و توانمندی انسانی	شرایط محیطی و منابع آموزشی
وان داود و همکاران	پیچیدگی خط، نظام ریشه، مصوت‌ها، هم‌نویسه‌ها	نقش معلمان و روش‌های تدریس متنوع	فرهنگ، فناوری، محیط یادگیری زمینه‌ای
البازلی و همکاران	نیاز به مواد آموزشی مدرن و مبتنی بر رایانه	ضرورت ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان	منابع فناورانه و برنامه درسی نو
آقایی و قاسمی	غلبه بر قواعدمحوری و آموزش سنتی گرامر	کمبود نیروی متخصص، ضعف تربیت معلم	نبود ابزار کمک‌آموزشی، اهداف مبهم، روش ارزیابی نامناسب
الحداد و همکاران	تفاوت ساختاری عربی و مالایی در دستور زبان	نیاز به آموزش و توانمندسازی معلمان	ضعف محیط زبانی، لزوم ادغام فناوری
الدبسی و الدسوکی	دشواری‌های نظام آوایی، صرف و نحو	صلاحیت ناکافی معلمان	کمبود کتاب و منابع، محدودیت‌های قانونی و مالی
بیات و همایونی	آموزش ناکارآمد گرامر و محدود بودن واژگان	ناکارآمدی آموزش‌های ضمن خدمت معلمان	کمبود زمان، وسایل کمک‌آموزشی، روش‌های ارزیابی نامناسب
ایمان‌زاده و عبادی	دشواری‌های مربوط به برنامه درسی و محتوا	موانع مرتبط با دانش‌آموزان و معلمان	موانع فرهنگی-اجتماعی و ارزشیابی آموزشی

احمد مرادی و همکاران	دشواری در مهارت کلامی و نوشتاری	تأثیر علاقه، روش تدریس و زمینه تحصیلی	فعالیت‌های تقویتی محدود (تمرین کلام و قرائت، کارگاه‌های زبانی)
یعقوبی و عبدی	ناتوانی در درک متن و مکالمه	بی‌علاقگی دانش‌آموزان	کمبود امکانات کمک‌آموزشی

روش

پژوهش حاضر از نوع مروری - تحلیلی و با رویکرد تطبیقی مکتب آمریکایی است که بر تحلیل شاخص‌محور و داده‌گرا تمرکز دارد. هدف آن بررسی چالش‌ها و راهکارهای آموزش زبان عربی در ایران و مالزی با تکیه بر تحلیل تطبیقی یافته‌های پژوهش‌های پیشین است. بازه زمانی ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ در نظر گرفته شد تا جدیدترین مقالات مرتبط با چالش‌ها و راهکارهای آموزش زبان عربی در دو کشور مورد بررسی قرار گیرد و یافته‌ها بیشترین ارتباط و قابلیت کاربرد را برای برنامه‌ریزی آموزشی داشته باشند.

معیارهای شمول شامل مقالات منتشر شده به زبان فارسی و انگلیسی، مرتبط با آموزش زبان عربی در سطح مدارس و دانشگاه‌ها، و مطالعات نظری، تجربی و مرور بودند. معیارهای حذف شامل مقالاتی بود که اطلاعات کافی و معتبر ارائه نمی‌کردند، تکراری بودند، خارج از بازه زمانی تعیین‌شده بودند و یا به موضوعات حاشیه‌ای و غیر مرتبط با محورهای پژوهش می‌پرداختند. محورهای پژوهش شامل ویژگی‌های ساختاری و زبانی عربی، انگیزه و توانمندی انسانی، و شرایط محیطی و منابع آموزشی بود.

داده‌ها از طریق جستجوی سیستماتیک در پایگاه‌های علمی معتبر شامل Scopus، Google Scholar و پایگاه‌های داخلی ایران گردآوری شد. استرینگ جستجو شامل ترکیب کلیدواژه‌هایی مانند «آموزش زبان عربی»، «چالش‌های یادگیری عربی»، «تدریس عربی در ایران»، «تدریس عربی در مالزی» و معادل‌های مرتبط بود. جست و جو در یک بازه زمانی مشخص انجام شد و نتایج اولیه ثبت گردید. از حدود ۴۰ مقاله اولیه، پس از بررسی عنوان و چکیده و حذف مقالات غیر مرتبط، ۹ مقاله نهایی برای مطالعه کامل و تحلیل انتخاب شدند تا فرایند غربالگری شفاف، قابل تکرار و قابل ارزیابی باشد.

کیفیت مقالات انتخاب شده با استفاده از چک لیست ارزیابی اعتبار علمی و معیارهای استاندارد کیفی بررسی شد و دو پژوهشگر به‌طور مستقل تحلیل و امتیازدهی نمودند. درصد توافق بین پژوهشگران محاسبه شد و در صورت وجود اختلاف نظر، با بحث و بررسی اولیه تلاش شد به اجماع برسند و در مواردی که اختلاف حل نمی‌شد، داور سوم برای تصمیم نهایی وارد عمل شد تا دقت و قابلیت اتکای داده‌ها تضمین شود. یافته‌های پژوهش ابتدا در سه محور اصلی شامل ویژگی‌های ساختاری و زبانی، انگیزه و توانمندی انسانی و شرایط محیطی و منابع آموزشی دسته‌بندی شد. سپس با استفاده از روش تطبیقی، نقاط اشتراک و افتراق میان ایران و مالزی بر اساس شاخص‌های مشترک شامل ویژگی‌های ساختاری و زبانی عربی، انگیزه و توانمندی انسانی و شرایط محیطی و منابع آموزشی سیاست‌های آموزشی، شناسایی گردید. این تحلیل تطبیقی با چارچوب مفهومی مشخص انجام شد تا نتایج نه تنها شفاف و قابل فهم باشند بلکه قابلیت تعمیم و کاربرد در برنامه‌ریزی آموزشی و بهبود کیفیت آموزش زبان عربی را نیز داشته باشند.

جدول ۲. فرایند انتخاب مقالات برای تحلیل تطبیقی آموزش زبان عربی در ایران و مالزی

مرحله	تعداد مقالات	کشور	یافته‌های اصلی	توضیح
نتایج اولیه	۴۰	ایران و مالزی	گردآوری مقالات مرتبط با یادگیری و آموزش عربی	انتخاب بر اساس کلیدواژه‌های مرتبط با آموزش عربی
پس از بررسی عنوان و چکیده	۱۵	ایران و مالزی	حذف مقالات غیرمرتبط با محورهای پژوهش	جغرافیایی و نمونه‌ها تمرکز بر مقالات مرتبط با چالش‌ها و راهکارهای آموزش عربی
مقالات نهایی برای مطالعه کامل	۹	ایران و مالزی	استخراج چالش‌ها، راهکارها و تحلیل تطبیقی	مقالات با اطلاعات کافی و قابل استناد برای تحلیل تطبیقی انتخاب شدند

یافته‌ها

بررسی‌های انجام شده در مقالات مرتبط با آموزش زبان عربی در ایران و مالزی نشان می‌دهند که یادگیری و تدریس این زبان با مجموعه‌ای گسترده از چالش‌ها و راهکارها همراه است. به‌طور کلی، یافته‌ها در دو بعد اصلی یعنی چالش‌ها و راهکارها دسته‌بندی شده‌اند و می‌توان آن‌ها را در سه محور کلی ویژگی‌های ساختاری و زبانی عربی، انگیزه و توانمندی انسانی، و شرایط محیطی و منابع آموزشی صورت‌بندی کرد.

ویژگی‌های ساختاری و زبانی عربی

ویژگی‌های ساختاری و زبانی عربی به جنبه‌های ذاتی و نظام‌مند زبان عربی اشاره دارد که یادگیری آن را برای زبان‌آموزان چالش‌برانگیز می‌کند. «یادگیری زبان فرآیندی پیچیده است که مستلزم کسب مهارت‌های کامل ارتباطی است. زبان عربی با ساختار صرفی پیچیده، نظام‌های دستوری گسترده و تنوع لهجه‌ای فراوان، چالش‌های منحصر به فردی را برای زبان‌آموزان ایجاد می‌کند» (Alghazali & Alzyoudi, 2025). از این‌رو است که اضطراب در کلاس‌های زبان خارجی، مجموعه‌ای از خودتصورات، باورها، احساسات و رفتارهایی را در برمی‌گیرد که یادگیرندگان هنگام مواجهه با ویژگی‌های ساختاری و زبانی زبان تجربه می‌کنند (Horwitz et al, 1986).

در مالزی، مهم‌ترین چالش دانش‌آموزان در یادگیری عربی، جنبه‌های پیچیده و چندگانه زبان است که از نظرگاه منطقی باید به‌طور هماهنگ با یکدیگر فراگرفته شوند. این جنبه‌ها شامل دستور زبان، صرف افعال، بلاغت، تلفظ و ترجمه می‌شوند. واضح است که آموزش جداگانه آن‌ها باعث می‌شود دانشجویان نتوانند عربی را به‌صورت کاربردی به کار ببرند و هدف اصلی آن به‌عنوان یک زبان غنی و وسیله‌ای برای ارتباط مؤثر محقق نشود (Norlaila et al, 2025).

مطالعه دیگری نشان داد که پیچیدگی‌های خط عربی و تنوع شکل‌های حروف، فشار شناختی قابل توجهی بر دانشجویان مالیزیایی وارد کرده و انگیزه آن‌ها را کاهش داده است؛ چرا که ساختار ریشه‌ای کلمات و مشتقات آن‌ها نیازمند درک تحلیلی و تمرین مستمر است؛ از این‌رو، دانشجویان باید همزمان معنا، تلفظ و کاربرد هر واژه را در متن‌های مختلف تشخیص دهند. از سوی دیگر، حضور مصوت‌ها و حذف آن‌ها در نوشتار، تلفظ و معنای کلمات را پیچیده‌تر می‌کند و دانشجویان برای استفاده صحیح از آن‌ها به دقت و آشنایی زمینه‌ای نیاز دارند. افزون بر این، وجود هم‌نویسه‌ها، کلماتی که هجی یکسان دارند اما معانی متفاوت، مهارت تفکیک معنایی و توانایی تحلیل دقیق زبان را به چالش می‌کشد و یادگیرنده را وادار می‌کند توجه و تمرکز خود را به‌طور مستمر حفظ کند تا تسلط کاربردی بر زبان عربی پیدا کند (Wan, Daud et al, 2025).

از جنبه دیگر، یادگیری قواعد مربوط به جنسیت و شمار در زبان عربی، از جمله کاربرد صحیح مذکر و مؤنث و تفاوت‌های میان مفرد، مثنی و جمع، برای دانش‌آموزان مالیزیایی چالش‌برانگیز بوده است. امری که تمرین مداوم دستوری را می‌طلبد. علاوه بر این، بسیاری از واژگان و عبارات عربی ریشه در زمینه‌های فرهنگی و تاریخی دارند و فهم دقیق آن‌ها بدون آشنایی با بافت فرهنگی عربی دشوار خواهد بود (ibid, 2025).

اما در ایران، اگرچه مشکلات زبانی و ساختاری به‌طور مستقیم به پیچیدگی خط و تلفظ مربوط نمی‌شوند، تمرکز بیش از حد بر قواعد دستوری و روش‌های نامناسب آموزش گرامر مهم‌ترین چالش‌ها در این زمینه به شمار می‌روند. افزون بر این، تکیه بر شیوه‌های سنتی و ناکارآمد تدریس، محدودیت دامنه واژگان و متون درسی و زمان اندک اختصاص یافته به آموزش، فرصت دانش‌آموزان برای تسلط عملی بر مهارت‌های زبانی را به شدت کاهش می‌دهد. (Bayat & Homayouni, 2020; Aghaei & Ghasemi, 2023). صفوی نیز تأکید می‌کند که برخی اشتراکات و تأثیرات زبان عربی بر فارسی، آموزش عربی را در مراحل مقدماتی و پیشرفته تسهیل می‌کند. از جمله این اشتراکات می‌توان به شباهت حروف الفبا و رسم‌الخط، تلفظ حروف، شیوع گسترده جمع‌های مذکر سالم، مؤنث سالم و جمع مکسر، استفاده فراوان از مصادر مجرد و مزید عربی و وجود اصطلاحات و ترکیب‌های عربی در حوزه‌های فقهی، کلامی، عرفانی، مذهبی و ادبی اشاره کرد. علاوه بر این، اشتراک اصطلاحات ریاضی، تأثیر صرف و نحو عربی بر دستور زبان فارسی، تأثیر بلاغت عربی در بیان معانی و زیبایی‌های ادبی و استفاده ایرانیان از عروض و قافیه عربی، یادگیری زبان عربی را برای فارسی‌زبانان آسان‌تر می‌کند (Safavi, 2009).

برای غلبه بر این چالش‌ها، مالزی مجموعه‌ای از راهکارهای مؤثر را اجرا کرده است. این اقدامات شامل برگزاری دوره‌های تقویتی در چهار مهارت اصلی زبان (مکالمه، خواندن، نگارش و شنیداری) می‌شود. علاوه بر این، ایجاد محیط‌های زبانی، مانند خوابگاه‌های عربی‌محور، برگزاری روز زبان عربی و طراحی فعالیت‌های متنوع دانشجویی همچون حلقه‌های مطالعاتی، نشست‌های گروهی و مسابقات مناظره، نیز نقش بسزایی در تقویت انگیزه و ارتقای توان عملی دانشجویان ایفا می‌کند (Norlaila et al., 2025). همچنین، به‌کارگیری روش‌های نوین، کلاس را جذاب می‌کند و یادگیری را آسان‌تر می‌سازد. آموزش مرحله‌ای صرف و نحو همراه با تمرین‌های فردی و استفاده از منابع چندرسانه‌ای، به دانشجویان امکان می‌دهد مهارت‌های زبانی خود را به‌صورت عملی تقویت کنند، به‌طوری که نه تنها قواعد را فرا می‌گیرند، بلکه قادر باشند آن‌ها را در موقعیت‌های واقعی به‌کار گیرند (Norlaila et al., 2025; Wan Daud et al., 2025).

در ایران نیز بازنگری در برنامه درسی ملی با تأکید بر نقش ارتباطی زبان، اصلاح روند تربیت معلمان، برگزاری دوره‌های تخصصی، توجه به متن‌محوری و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین به‌عنوان راهکارهای پیشنهادی مطرح شده است. روشن است که این اقدامات به‌ویژه زمانی مؤثر هستند که به جای تکیه محض بر روش‌های سنتی، از شیوه‌های مشارکتی نیز استفاده شود، زیرا چنین رویکردی دانش‌آموزان را در کلاس فعال‌تر کرده و تجربه یادگیری واقعی را برای آنها فراهم می‌آورد. در این روش، زبان‌آموز به جای حفظ قواعد، در فضای تعامل و گفتگو با مفاهیم روبه‌رو می‌شود و مهارت عملی او تقویت می‌گردد، ضمن آنکه بهره‌گیری همزمان از ابزارهای نوین آموزشی و فناوری‌های دیجیتال امکان تمرین بیشتر، دسترسی آسان به منابع متنوع و درک عمیق‌تر مطالب را فراهم کرده و در نهایت زبان‌آموزانی مستقل، خلاق و توانمندی را پرورش می‌دهد (Bayat & Homayouni, 2020; Aghaei & Ghasemi, 2023).

انگیزه و توانمندی انسانی

یادگیری زبان عربی، به‌ویژه برای دانشجویان و زبان‌آموزان غیر عرب‌زبان، اغلب با موانع عاطفی و شناختی همراه است که می‌تواند بر انگیزه، اعتمادبه‌نفس و مشارکت فعال آنان تأثیرگذار باشد. انگیزه به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی موفقیت در یادگیری زبان دوم، در چارچوب نظریه خودتعیین‌گری دسی و رایان مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر اساس این نظریه، انگیزه افراد تحت تأثیر سه نیاز اساسی روان‌شناختی؛ یعنی شایستگی، خودمختاری و ارتباط با دیگران قرار دارد. هم به

این اعتبار است که آگاهی از جهت‌گیری‌های انگیزشی زبان‌آموزان در سازمان‌دهی اهداف یادگیری، تحلیل فضای کلاس از نظر کنترل یا خودمختاری و ارائه دلالت‌های عملی برای پرورش زبان‌آموزان خودمختار و خودتنظیم، نقش مهمی در تسهیل یادگیری کاربردی دارد (Ryan & Deci, 2000).

در مالزی، انگیزه یکی از اصلی‌ترین چالش‌های یادگیری زبان عربی محسوب می‌شود، زیرا بسیاری از دانشجویان علاقه واقعی به این زبان ندارند و آن را دشوار می‌پندارند. دشواری متون کلاسیک و فقدان آموزش لهجه‌های رایج انگیزه یادگیری را کاهش داده و این اثر به‌ویژه در مهارت‌های گفتاری و نوشتاری مشهود است و از آنجایی که دانشجویان نمی‌توانند آموخته‌های خود را در موقعیت‌های واقعی زندگی روزمره به کار گیرند، زبان عربی برای آنها به یک موضوع خشک و انتزاعی تبدیل شده است؛ در نتیجه، فرایند یادگیری اغلب محدود به حفظ قواعد و ترجمه متون شده و فرصت تجربه یادگیری عمیق و لذت‌بخش از دست می‌رود (Norlaila et al, 2025).

علاوه بر مشکلات مربوط به دشواری متون و نبود آموزش لهجه‌های رایج، محدودیت حمایت محیطی و فقدان فضای زبانی مؤثر نیز به شدت بر کاهش انگیزه دانشجویان در مالزی اثرگذار بوده است. پرواضح است هنگامی که زبان‌آموزان در محیطی زندگی می‌کنند که زبان عربی حضور فعال و کاربرد واقعی نداشته باشد، یادگیری برای آنها به فعالیتی صرفاً کلاسی و اجباری تبدیل می‌شود؛ به‌همین دلیل، نبود تعامل روزمره با این زبان، چه از طریق رسانه‌ها و چه در ارتباطات اجتماعی، باعث می‌شود دانسته‌های خود را بی‌فایده تلقی کنند و همین احساس، اشتیاق و پشتکار آنها را در ادامه مسیر یادگیری بیش از پیش تضعیف می‌کند (Aldebsi & Aldosuki, 2023).

یکی دیگر از چالش‌های اساسی در مالزی، کمبود تخصص معلمان در آموزش عربی است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که برخی معلمان تسلط کافی بر آموزش دستور زبان ندارند و همچنان به روش‌های سنتی تکیه می‌کنند؛ روش‌هایی که بر توضیح مستقیم قواعد استوار است و کمتر فرصتی برای فعالیت‌های تعاملی را فراهم می‌آورد. طبیعی است که در چنین فضایی، زبان‌آموزان نتوانند آموخته‌های دستوری را در مکالمه و نوشتار به کار گیرند و همین امر موجب می‌شود یادگیری آنها در سطحی غیرکاربردی باقی بماند (Al-Haddad et al., 2025; Norlaila et al, 2025). در ایران نیز رشته تحصیلی نقش پررنگی را در میزان انگیزه دانش‌آموزان برای یادگیری زبان عربی دارد. به‌ویژه در شاخه‌های غیرانسانی مانند علوم تجربی، بسیاری از دانش‌آموزان به دلیل جایگاه کم‌اهمیت عربی در برنامه‌ی درسی، علاقه و توجه چندانی را به این زبان نشان نمی‌دهند. برای آنها، یادگیری عربی بیشتر به‌عنوان وسیله‌ای برای کسب نمره یا گذر از ارزیابی‌ها معنا پیدا می‌کند، نه ابزاری برای درک عمیق و تسلط واقعی بر یک زبان (Imanzadeh & Ebadi, 2019). علاوه بر آن، در ایران مسئله‌ای که موجب بی‌علاقگی و روی‌گردانی آنان از این درس شده این است بسیاری از دانش‌آموزان قادر به درک متون یا بیان جملات ساده به زبان عربی نیستند (Yaghoubi & Abdi, 2022).

به‌عنوان راهکار، معلمان در مالزی می‌توانند با بهره‌گیری از روش‌های تدریس جذاب نقش کلیدی در افزایش انگیزه دانشجویان داشته باشند. علاوه بر این، اختصاص زمان آزاد برای تمرین عملی، تشویق دانش‌آموزان به نگارش علمی و خلاقانه و فراهم کردن فرصت برای ارائه و تبادل نظر، می‌تواند انگیزه درونی آنها را تقویت کرده و هم‌زمان اعتمادبه‌نفس و مهارت کاربردی در زبان عربی را به‌طور چشمگیری افزایش دهد (Norlaila et al, 2025). افزون بر روش‌های تدریس خلاقانه، می‌توان انگیزه دانش‌آموزان را با ایجاد فرصت‌های شغلی مرتبط، ارائه برنامه‌های آموزشی جذاب، حمایت مالی از سوی دولت و نهادهای دینی و همکاری با کشورهای عربی برای تأمین بورسیه و منابع آموزشی تقویت کرد. طبیعی است که این اقدامات هم انگیزه‌ای عملی و هدفمند ایجاد می‌کنند و هم دسترسی دانش‌آموزان به منابع باکیفیت و تجربه‌های آموزشی بین‌المللی را فراهم می‌سازند، امری که می‌تواند در نهایت یادگیری کاربردی و مؤثر زبان عربی را ارتقا دهد (Aldebsi & Aldosuki, 2023).

در ایران نیز به‌عنوان راهکار، معلمان با انگیزه و علاقه می‌توانند کلاس‌های جذاب و مؤثر را برگزار کنند و با استفاده از روش‌های فعال و پژوهش‌محور، تعامل دوطرفه، تمرین عملی، ترجمه گروهی و ارائه مثال‌های واقعی، انگیزه و مشارکت

دانش‌آموزان را به‌طور قابل توجهی افزایش دهند. همچنین بهره‌گیری از فناوری‌های نوین آموزشی، منابع چندرسانه‌ای، فعالیت‌های خلاقانه و پروژه‌های گروهی، یادگیری را عمیق‌تر و معنادارتر می‌کند و به دانش‌آموزان فرصت می‌دهد مهارت‌های کاربردی زبان عربی را در محیط‌های واقعی تمرین و تقویت کنند؛ علاوه بر آن، راهکارهایی همچون تألیف کتاب‌های جذاب‌تر با قواعد دستوری کاربردی، تأمین امکانات کمک‌آموزشی و به‌کارگیری روش‌های فعال و انگیزه‌بخش توسط معلمان نیز پیشنهاد شده است (Yaghoubi & Abdi, 2022).

راهکارهای پیشنهادی برای ارتقای کیفیت تدریس در مالزی شامل توانمندسازی معلمان از طریق برگزاری دوره‌های تخصصی و ضمن خدمت، آموزش روش‌های فعال و تعاملی و بهره‌گیری از معلمان مسلط به زبان عربی است. اجرای این اقدامات می‌تواند مهارت‌های حرفه‌ای معلمان را تقویت کند، اعتماد به نفس آن‌ها را افزایش دهد و زمینه‌آرائه آموزش مؤثرتر و هدفمندتر را فراهم آورد، به‌طوری که یادگیری دانش‌آموزان را بهبود بخشد و تجربه آموزشی آن‌ها را رضایت‌بخش‌تر سازد.

در ایران نیز، این راهکارها شامل توانمندسازی معلمان از طریق دوره‌های تخصصی و ضمن خدمت، آموزش روش‌های تعاملی و به‌کارگیری معلمان مسلط به زبان عربی است. بدیهی است که اجرای چنین اقداماتی منجر به ارتقای کیفیت، تقویت مهارت‌های معلمان و بهبود یادگیری دانش‌آموزان می‌شود (Aghaei & Ghasemi, 2023).

شرایط محیطی و منابع آموزشی

شکی نیست برای آن‌که انگیزش بتواند تأثیر واقعی بر یادگیری داشته باشند، دانش‌آموزان باید در محیط‌های تعاملی فعال باشند؛ جایی که تعامل با همسالان و معلمان، یادگیری را تقویت می‌کند. در این راستا، نظریه یادگیری سازنده‌گرایانه، به‌عنوان تجربه‌ای موفق اهمیت ویژه‌ای دارد. ویگوتسکی یادگیری را از دیدگاه اجتماعی بررسی کرده و بر این باور است که توسعه شناختی و زبانی در خلاء اجتماعی رخ نمی‌دهد (Rochat, 2023). بر اساس دیدگاه ویگوتسکی، هر فرد در یک زمینه اجتماعی رشد می‌کند و تمامی پیشرفت‌های شناختی شامل معنا، حافظه، تفکر، ادراک و آگاهی، از سطح بین‌فردی به سطح درون‌فردی منتقل می‌شوند. مکانیسمی که کار شناختی سطح بالا را پشتیبانی می‌کند، نسخه‌ای از تعامل اجتماعی است (Veraksa, 2022). نظریه ساخت‌گرایی ویگوتسکی بر تعامل عوامل بین‌فردی (اجتماعی)، فرهنگی-تاریخی و فردی به‌عنوان کلید توسعه انسانی تأکید دارد (Wibowo et al, 2025).

یادگیری زبان عربی در مالزی با مشکلات محیطی و محدودیت منابع آموزشی نیز روبه‌رو است. از جمله این مشکلات می‌توان به کمبود کتابخانه‌ها و منابع کافی و فقدان ابزارهای آموزشی مدرن و چندرسانه‌ای اشاره کرد که می‌تواند یادگیری را جذاب سازد. علاوه بر این، نبود محیط زبانی واقعی و فرصت‌های عملی برای استفاده از زبان، یادگیری را به سطح نظری در کلاس درس تقلیل داده و مانع از ایجاد تسلط کاربردی می‌شود (Aldebsi & Aldosuki, 2023).

مطالعات نشان داده‌اند که استفاده از معلمان ماهر همراه با ارتقای مهارت‌های تخصصی، توسعه منابع آموزشی و کتابخانه‌ها، بکارگیری ابزارهای مدرن و برنامه‌های درسی پیشرفته، می‌تواند کیفیت یادگیری را به‌طور قابل توجهی افزایش دهد. همچنین برگزاری اردوها و کمپ‌های زبان عربی و ارتباط با جوامع عرب‌زبان برای بهره‌گیری از تجربه آن‌ها در آموزش، استفاده از عربی استاندارد و ساده‌سازی قواعد دستوری و صرفی، نقش مهمی را در ارتقای سطح آموزش دارد (Aldebsi & Aldosuki; Albazly et al., n.d., 2023).

در ایران نیز مشابه این چالش‌ها مشاهده می‌شود. نبود ابزارهای کمک‌آموزشی دیداری و شنیداری، ضعف منابع چندرسانه‌ای، نامناسب بودن روش‌های ارزشیابی و عدم تبیین اهداف آموزش زبان عربی، از جمله مشکلاتی هستند که در فرآیند یاددهی - یادگیری تأثیر منفی می‌گذارند (Bayat & Homayouni, 2023; Aghaei & Ghasemi, 2020). در پاسخ به این مسائل، مدارس عربی در مالزی برای جذب و نگهداشت دانش‌آموزان باید برنامه‌های خود را تقویت کنند. از جمله اقدام‌های ضروری می‌توان به طراحی آزمون‌های استاندارد برای سنجش مهارت زبان غیر بومیان، ارتقای امکانات

مدارس به آزمایشگاه‌های کامپیوتر و منابع آموزشی دیجیتال، تدوین برنامه‌های درسی مدرن با بهره‌گیری از روش‌های نوین و اجرای فعالیت‌های زبانی مؤثر مانند مناظره، مسابقه و بازدیدهای میدانی اشاره کرد. این اقدامات می‌توانند به‌عنوان راهکاری مؤثر برای غلبه بر چالش‌های محیطی و محدودیت منابع آموزشی در مالزی به کار گرفته شوند (Albazly et al., n.d). در ایران نیز بازنگری در برنامه درسی با تأکید بر نقش ارتباطی زبان، استفاده از ابزارهای چندرسانه‌ای و فناوری‌های نوین، اصلاح فرآیند ارزشیابی و تدوین محتوای مناسب، به‌عنوان راهکارهایی برای بهبود شرایط محیطی و منابع آموزشی مطرح شده است (Bayat & Homayouni, 2023, Aghaei & Ghasemi, 2020).

جدول ۳. خلاصه چالش‌ها و راهکارهای آموزش زبان عربی در ایران و مالزی

منبع: استخراج و ترکیب یافته‌های مطالعات پیشین در حوزه آموزش زبان عربی در ایران و مالزی (۲۰۲۳-۲۰۲۵).

محور اصلی	چالش‌ها	راهکارها
ویژگی‌های ساختاری و زبانی	مالزی: پیچیدگی خط، صرف و نحو، بلاغت، جنسیت و کمیت، واژگان فرهنگی. ایران: تمرکز بیش از حد بر قواعد و روش‌های سنتی، محدودیت متون و زمان تدریس.	مالزی: دوره‌های تقویتی، محیط‌های زبانی (خوابگاه، روز زبان)، آموزش تعاملی، منابع چندرسانه‌ای. ایران: بازنگری برنامه درسی، تربیت معلم تخصصی، روش‌های مشارکتی و فناورانه.
انگیزه و توانمندی انسانی	مالزی: کاهش انگیزه به دلیل دشواری متون، نبود لهجه رایج، محدودیت محیط زبانی، ضعف برخی معلمان. ایران: بی‌علاقگی در رشته‌های غیرانسانی، یادگیری صرفاً برای نمره.	مالزی: تدریس نوآورانه، فرصت‌های شغلی، بورسیه، تعامل علمی. ایران: روش‌های پژوهش‌محور، فناوری‌های نوین، پروژه‌های گروهی، توانمندسازی معلمان.
شرایط محیطی و منابع آموزشی	مالزی: کمبود کتابخانه، منابع مدرن، ابزار چندرسانه‌ای، نبود محیط واقعی زبان. ایران: نبود ابزار کمک‌آموزشی، ضعف ارزشیابی، محدودیت منابع چندرسانه‌ای.	مالزی: استفاده از معلمان متخصص، اردوهای زبان، منابع پیشرفته، عربی استاندارد ساده. ایران: فناوری‌های نوین، بازنگری ارزشیابی، تولید محتوای متنی مناسب.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان می‌دهد که یادگیری و تدریس زبان عربی در ایران و مالزی تنها یک مسئله آموزشی یا زبانی نیست، بلکه به‌طور عمیق با زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و نهادی پیوند دارد. این پیوندها را می‌توان در سه سطح اصلی بررسی کرد: ساختار زبانی، انگیزه و عاملیت انسانی، و شرایط محیطی و نهادی. مقایسه دو کشور نشان می‌دهد که گرچه هر دو با چالش‌های مشابهی مواجه‌اند اما ریشه‌ها، شدت و پیامدهای آن‌ها متفاوت است؛ تفاوتی که نشان‌دهنده نقش بافت اجتماعی و نهادی در تعیین کیفیت یادگیری است.

در مالزی، چالش‌های زبانی و ساختاری بیش از هر چیز به فاصله فرهنگی و زبانی میان زبان عربی و زبان‌های بومی باز می‌گردد. عربی نه بخشی از میراث زبانی روزمره است و نه حامل سرمایه فرهنگی بومی؛ بنابراین یادگیری آن نیازمند تلاش شناختی مضاعف است. اتکای نظام آموزشی به متون کلاسیک و فقدان منابع تدریس مرحله‌ای، فشار شناختی را افزایش داده و یادگیری را به فرایندی نخبه‌گرایانه و کم‌ثمر تبدیل کرده است. در نتیجه، دانشجویان بدون حمایت آموزشی مناسب، با دشواری در بکارگیری عملی زبان مواجه می‌شوند. از منظر جامعه‌شناختی، این مسئله نشان می‌دهد که یادگیری زبان در مالزی تا حد زیادی محصول شکاف فرهنگی - زبانی و محدودیت‌های نهادی و نه صرفاً ویژگی‌های ذاتی زبان عربی است.

در ایران اما وضعیت متفاوت است. شباهت‌های زبانی میان فارسی و عربی می‌تواند یادگیری مقدماتی را تسهیل کند اما تعریف نهادی زبان عربی به‌عنوان ابزاری برای فهم متون دینی، سبب شده است آموزش به سمت دستورمحوری و حفظ قواعد نظری سوق یابد. این امر باعث شده بسیاری از دانش‌آموزان زبان عربی را یک درس اجباری و امتحانی ببینند، نه یک مهارت کاربردی. بنابراین، ریشه چالش‌ها در ایران عمدتاً نظام آموزشی و سیاست‌گذاری نهادی است که بر یادگیری کاربردی تأثیر مستقیم دارد و حتی ظرفیت‌های شناختی و انگیزشی دانش‌آموزان را محدود می‌کند.

از منظر انگیزشی، در هر دو کشور، گسست میان زبان و کارکرد اجتماعی آن باعث کاهش علاقه و انگیزه می‌شود. در مالزی، فقدان محیط‌های تعاملی و آموزش لهجه‌های زنده، زبان عربی را از زندگی واقعی دانشجویان جدا کرده است. در ایران، جایگاه عربی در نظام آموزشی باعث شده انگیزه واقعی تنها برای برخی گروه‌ها شکل گیرد؛ در بسیاری از رشته‌ها، دانش‌آموزان عربی را صرفاً برای نمره می‌آموزند. بنابراین، انگیزه پایین محصول دشواری زبان نیست، بلکه پیامد عدم پیوند میان زبان و نقش اجتماعی - فرهنگی آن است.

شرایط محیطی و منابع آموزشی نیز این گسست را تقویت می‌کنند. در مالزی، کمبود منابع نوین، ابزارهای چندرسانه‌ای و فعالیت‌های عملی باعث شده یادگیری کاربردی محدود شود و دانشجویان بیشتر به یادگیری نظری متکی شوند. در ایران نیز تمرکز بر ارزشیابی‌های نمره‌محور و کمبود فناوری آموزشی مانع شکل‌گیری تجربه‌های تعاملی شده است. این شرایط نشان می‌دهد که ساختار نهادی و محیط آموزشی می‌تواند حتی انگیزه و توانمندی فردی را نیز محدود کند.

تحلیل جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که یادگیری زبان عربی تنها زمانی موفق خواهد بود که سه حوزه زبانی، انگیزه و عاملیت انسانی و نهادی اجتماعی هم‌زمان مورد توجه قرار گیرند. آموزش مرحله‌ای و کاربردی فشارشناختی را کاهش می‌دهد. بازنگری در اهداف و محتوای برنامه‌های درسی، روش‌های ارزشیابی و ساختار آموزشی را بهبود می‌بخشد و ایجاد پیوند میان زبان و زندگی واقعی دانشجویان، یادگیری کاربردی و تعاملی را ممکن می‌سازد.

تجربه مالزی در ایجاد محیط‌های عملی و بهره‌گیری از منابع چندرسانه‌ای می‌تواند برای ایران الهام‌بخش باشد، مشروط بر آن‌که با بافت نهادی و انگیزشی ایران تطبیق داده شود. در مقابل، توانایی ایران در برنامه‌ریزی دقیق درسی، اصلاح روش‌های ارزشیابی و توانمندسازی معلمان، می‌تواند به ارتقای کیفیت آموزش در مالزی کمک کند.

بنابراین، الگوی بهبود آموزش عربی نه یک کپی‌برداری ساده، بلکه مدل تطبیقی جامعه‌شناختی است؛ مدلی که تعامل میان تجربه‌های دو کشور را در نظر می‌گیرد، محدودیت‌ها و ویژگی‌های بومی هر کشور را لحاظ می‌کند و آموزش را در بستر اجتماعی و نهادی آن بازتعریف می‌کند. این مدل می‌تواند زمینه‌ساز یادگیری کاربردی، پایدار و مرتبط با زندگی واقعی دانشجویان باشد.

محدودیت‌ها

این مطالعه مبتنی بر مرور مقالات موجود درباره آموزش زبان عربی در ایران و مالزی است و شامل داده‌های میدانی مستقیم نمی‌شود. بنابراین، تعمیم نتایج به سایر کشورها یا محیط‌های آموزشی باید با احتیاط انجام شود. علاوه بر این، برخی تفاوت‌های فرهنگی و نظام آموزشی که می‌توانند بر یادگیری زبان تأثیرگذار باشند، در این بررسی به‌طور کامل لحاظ نشده‌اند. همچنین، تفاوت در نمونه‌ها به‌طوری که برخی مقالات مالزی بر دانشجویان دانشگاهی و مقالات ایران بر دانش‌آموزان مدارس تمرکز داشته‌اند؛ می‌تواند محدودیت‌هایی را در مقایسه مستقیم ایجاد کند.

تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»



COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

منابع

References

- Aghaei, M., & Ghasemi, T. (2023). Strategies for improving Arabic language teaching in Iranian secondary schools. *Research in Arabic Language and Literature Education*, 5(1), 93–106. [In Persian]
- Al-Bazeli, A., Alreshidi, A., Naimie, Z., & Halili, S. (n.d.). Malaysian students learning the Arabic language in Arab schools in Malaysia: A future study. *The Online Journal of New Horizons in Education*, 4(4), 106–113
- Aldebsi, A. H. M. H. A., & Eldesoky, E. M. A. (2023). Challenges and obstacles of teaching and learning the Arabic language in secondary religious schools in Malaysia: Suggestions and solutions. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 13(5), 2613–2621. <https://doi.org/10.6007/IJARBS/v13-i5/17327>
- Alghazali, F., & Alzyoudi, M. (2025). Exploring linguistic paradigms in language applications to augment Arabic language acquisition. *Novitas-ROYAL (Research on Youth and Language)*, 19(1), 241–251. <https://doi.org/10.5281/zenodo.15228458>
- Al-Haddad, A., Hassan, A., Mahmoud, H., & Eldeib, A. (2025). Teaching Arabic grammar to non-native speakers in Malaysia: Challenges and solutions. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 15(6), 520–531. <https://doi.org/10.6007/IJARBS/v15-i6/25717>
- Azarshab, M. A., & Homayouni, S. (2015). An analysis of culture and its role in language education policies/planning (Case study: Arabic language education in Iran). *Language Science*, 3(5), 89–117. [In Persian]
- Bayat, M., & Homayouni, S. (2020). Challenges and solutions of Arabic language education in schools. Center for Research, *Islamic Consultative Assembly, Studies on Education and Culture*. pp. 1–18. [In Persian]
- Hakimzadeh, R., Moteghizadeh, E., & Soltaninejad, N. (2015). Investigating the effectiveness of teaching general Arabic language in secondary school from the perspective of teachers and students in Kerman city. *Linguistic Inquiries*, 6(23), 77–107. [In Persian]
- Horwitz, E. K., Horwitz, M. B., & Cope, J. (1986). Foreign Language Classroom Anxiety. *The Modern Language Journal*, 70(2), 125–132
- Imanzadeh, A., & Ebadi, Z. (2019). Lived experiences of Arabic teachers on the causes of inefficiency in Arabic language teaching: A phenomenological study. *Journal of Curriculum Studies Research*, 9(2), 1–26. [In Persian]
- Norlaila, Muradi, A., Oensyar, R., & Arifin, A. (2025). Students' difficulties in Arabic: A study of the background of students Arabic language education. *IJAZ ARABI: Journal of Arabic Learning*, 8(2), 992–1012. <https://doi.org/10.18860/ijazarabi.v8i2.32092>
- Rasoulnejad, A., & Khakpour, H. (2019). Pathology of student attrition in Arabic language and literature (distinction in the horizon of lifeworld). *Critical Research Journal of Texts and Programs in Humanities*, 19(8), 155–175. [In Persian]
- Rochat, P. (2023). The evolution of developmental theories since Piaget: A metaview. *Perspectives on Psychological Science*, 17456916231186612.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2000). Intrinsic and extrinsic motivations: Classic definitions and new directions. *Contemporary Educational Psychology*, 25(1), 54–67. <https://doi.org/10.1006/ceps.1999.1020>
- Safavi, K. (2009). *A look at the history of the Persian language*. Tehran: Markaz Publications. [In Persian]
- Veraksa, N. (2022). Vygotsky's theory: Culture as a prerequisite for education. In N. Veraksa & I. Pramling Samuelsson (Eds.), *Piaget and Vygotsky in XXI Century: Discourse in Early Childhood Education* (pp. 7–26). Cham: Springer International Publishing

- Wan Daud, W. A. A., Abdul Ghani, M. T., Abdul Rahman, A., Mohamad Yusof, M. A., Ab Ghani, H., & Mohamed, Z. (2025). Exploring the challenges and strategies of learning Arabic language among primary school teachers. *Forum for Linguistic Studies*, 7(2), 94–103. <https://doi.org/10.30564/fls.v7i2.8002>
- Wibowo, S., Wangid, M. N., & Firdaus, F. M. (2025). The relevance of Vygotsky's constructivism learning theory with the differentiated learning primary schools. *Journal of Education and Learning (EduLearn)*, 19(1), 431–440. <https://doi.org/10.11591/edulearn.v19i1.21197>
- Yaghoubi, M., & Abdi, A. (2022). Challenges of teaching Arabic language in Iranian schools. *Quarterly Journal of Research in Arabic Language and Literature Education*, 4(2), 190–199. [In Persian]

